

نرگس عاشوری  
خبرنگار



# خسرو سینایی درگذشت

## هم سوار قطار قربانیان کرد کر و نا کارگردان مشهور را



بخت با فرهنگ و هنر این سرزمین یار بود که خسرو سینایی با دیدن آکاردئون، دلباخته موسیقی شود و هنر را به عنوان حرفه خویش برگزیند. اگر چه با وجود علاقه‌اش به موسیقی و مطرح شدن نامش به عنوان یکی از آکاردئون‌نویست‌های مطرح تهران در ۱۸ سالگی خانواده همچنان اصرار دارند که بعد از گرفتن دیپلم در رشته طبیعی، برای ادامه تحصیل در کنکور رشته پزشکی شرکت کند. او به سفارش خانواده گوش می‌کند اما در برگه کنکور به جای پاسخ دادن به سؤالات آزمون به نقاشی مشغول می‌شود

آرزوهای خسرو سینایی ساخت «قطار زمستانی» بود. سینایی می‌خواست در این فیلم مهاجرت گروه کثیری از لهستانی‌ها از جمله زنان و کودکان را در دوران جنگ جهانی دوم از کشور شوروی به ایران و ماجراهای پس از آن را به تصویر بکشد. عزت‌الله انتظامی را برای ایفای نقش اصلی انتخاب کرده بود. در دوران مدیریت حجت‌الله ایوبی بر سازمان سینمایی تفاهم همکاری برای ساخت مشترک فیلم میان لهستان و بنیاد سینمایی فارابی هم بسته شد اما بنابر دلایل مختلف این فیلم به مرحله تولید نرسید. از همین روست که گلایه دارد «لقب استاد برایش از فحش هم بدتر است»، چرا که این القاب، نظر واقعی مسئولان نیست. خسرو سینایی اما از چهره‌های همیشه محبوب و محبوب برای آنهایی است که فرهنگ را قدر می‌شناسند. گواه آن دلشوره‌هایی است که با شنیدن خبر بستری شدن او در اهالی رسانه و فرهنگ ایجاد شد. برای اولین بار تیرماه امسال که خبر رسید این فیلمساز با سابقه کشورمان به خاطر عمل جراحی کمر در بیمارستان بستری شده و خبر ترخیصش امیدوارمان کرد که این شاعر، آهنگساز و فیلمساز کشورمان از تهدید بزرگ این روزها گریخته است. مادرگیری چند ماهه‌اش با عفونت و خون‌ریزی ریه و مشکلات کلیوی و رفت و آمد به بیمارستان باعث شد بالاخره به کرونا مبتلا شود. چندی پیش حبیب احمدزاده (نویسنده، فیلمنامه‌نویس و مستندساز) با انتشار متنی کوتاه در فضای مجازی، ضمن درخواست دعا از مردم اعلام کرد که خسرو سینایی به واسطه عفونت توأمان ریه و کرونا بستری شده و تحت تنفس کمکی با دستگاه ونتیلاتور است. خسرو سینایی فارغ از فعالیت هنری‌اش به خاطر ویژگی‌های شخصیتی‌اش، تواضع، فروتنی و ادبش جایگاه کم‌نظیری در میان دوستداران فرهنگ داشت آنچنان که در این روزها خیلی‌ها همان چشم انتظار آن بودیم که خبر برسد خسرو سینایی کرونا را شکست داده است؛ اما این امیدت‌ها تا عصر روز شنبه ۱۱ مردادماه دوام آورد. خبر همچون همیشه تلخ و کوتاه روی خط خبرگزاری‌ها قرار گرفت: «کرونا خسرو سینایی را هم با خود برد.»

در سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ بود و بابت ساخت آن نشان ویژه کشور لهستان را از رئیس‌جمهوری این کشور دریافت کرد تا فیلم تحسین شده «عروس آتش»، «گفت و گوباسایه» و... عشق او به هنر با عشق به ایران عجین شده و نشانه این عشق را در آثارش و صحبت‌هایش می‌توان یافت. اگر چه مسیر فیلمسازی‌اش فراخ نبوده و از آخرین ساخته سینمایی‌اش «جزیره رنگین» بیش از ۷ سال می‌گذرد. یکی از

برسینما و موسیقی، به ادبیات و شعر هم علاقه دارد و مجموعه شعری هم از او منتشر شده اما سینایی خودش را فیلمساز می‌داند و حرفه اصلی‌اش در جهان هنر فیلمسازی است. فیلمسازی که با تأکید بر موضوعات اجتماعی و عمدتاً مستندگونه آثار درخشانی را در سینمای ایران به ثبت رسانده است از «تهران امروز»، «زنده باد...»، «هیولای درون»، «مرثیه گمشده» که روایتگر مهاجرت هزاران لهستانی به ایران

در خانواده‌ای با پیشه پزشکی پرورش یافت. اگر دست به دست تقدیر داده بود، او نیز باید پزشک می‌شد و شاید امروز در جبهه‌ای دیگر در جنگ با کرونا. لابد بخت با فرهنگ و هنر این سرزمین یار بود که خسرو سینایی با دیدن آکاردئون، دلباخته موسیقی شود و هنر را به عنوان حرفه خویش برگزیند. اگر چه با وجود علاقه‌اش به موسیقی و مطرح شدن نامش به عنوان یکی از آکاردئون‌نویست‌های مطرح تهران در ۱۸ سالگی خانواده همچنان اصرار دارند که بعد از گرفتن دیپلم در رشته طبیعی، برای ادامه تحصیل در کنکور رشته پزشکی شرکت کند. او به سفارش خانواده گوش می‌کند اما در برگه کنکور به جای پاسخ دادن به سؤالات آزمون به نقاشی مشغول می‌شود. آن سال‌ها افراد زیادی بعد از اخذ دیپلم برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌شدند. او هم برای آموزش معماری به دانشگاه فنی وین می‌رود و همزمان در رشته آهنگسازی دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی وین پذیرفته می‌شود. منوچهر طیب از دوستان صمیمی او در دانشکده معماری است. در گروه جمع و جور دوستانه‌ای که دارند، طیب ماندولین می‌نوازد و سینایی آکاردئون. باشکلی‌گیری موج نوی سینمای فرانسه و نئورئالیسم ایتالیا، عشق به سینما هم در دل هر دو لوله می‌کند. طیب پیش از سینایی معماری را نیمه‌کاره رها کرده و در آکادمی موسیقی و هنرهای نمایشی وین به تحصیل در رشته سینما مشغول می‌شود. او در یکی از فیلم‌هایی که برای دانشکده می‌سازد، از سینایی دعوت می‌کند که یکی از نقش‌ها را بازی کند. محیط و فضای همین کار آنقدر سینایی را درگیر خود می‌کند که او هم قید معماری را می‌زند و در امتحان ورودی دانشکده سینما شرکت می‌کند. بارشته اصلی کارگردانی ورشته فرعی فیلمنامه‌نویسی فارغ‌التحصیل می‌شود. عشق به موسیقی همچنان پایدار است و در رشته تئوری موسیقی با درجه ممتاز از کنسرواتوار وین فارغ‌التحصیل می‌شود. سینایی علاوه